

وحی و نبوت در نگاه عقل و دین

ویرایش دوم

دکتر محمدباقر شریعتی سبزواری

فهرست مطالب

۱۵	مقدمه
۱۵	ضرورت و لزوم دین باوری
۱۶	یکم: دفع ضرر احتمالی
۱۷	دوم: نیاز به دین حق
۱۸	سوم: دین و آرامش

بخش یکم: نبوت عامه

۲۵	اشاره
۲۵	ضرورت نیاز به پیامبران
۳۰	یکم: دعوت عمومی
۳۲	مراتب مخاطبان انبیا
۳۶	دوم: اهداف اجتماعی
۳۶	۱. قسط و عدالت
۳۷	۲. حل تضادهای درونی جامعه
۳۸	۳. پرورش و آموزش همگانی

- ۳۹ ۴. مطالبات فطری و عقلانی
- ۳۹ ۵. انسان و نیازهای روحی
- ۴۳ ۶. مقتضای حیات معقول
- ۴۶ بعثت انبیا از منظر امام علی علیه السلام
- ۵۴ ۷. هدایت عامه
- ۵۵ ۸. لطف خاص الهی
- ۵۶ یکم: مقتضای فیاض بودن پروردگار
- ۶۲ دوم: بعثت در کلام خواجه طوسی
- ۶۳ سوم: اتمام حجت بر بندگان
- ۶۶ چهارم: ساختار انسان
- ۶۷ بعثت انبیا در نگاه امام صادق علیه السلام
- ۶۹ بعثت پیامبران در نگاه علامه مطهری
- ۷۲ چرا به آحاد بشر وحی نمی شود
- ۷۵ وجدان، جایگزین پیامبران
- ۷۷ آیا علم جای دین را می گیرد؟
- ۸۰ آیا عقل می تواند جای دین بنشیند؟
- ۸۲ عقل قانون گذاران
- ۸۴ ویژگی ها و برتری های پیامبران
- ۸۴ یکم: وحی و شعور مرموز
- ۸۵ وحی چیست؟
- ۸۵ وحی در لغت و اصطلاح
- ۸۶ وحی در قرآن
- ۸۶ ۱. وحی فطری یا ادراک غریزی

۸۷	۲. وحی تکوینی
۸۸	۳. الهام بر قلب
۸۹	۴. القائنات شیطانی
۸۹	۵. نجوا و توطئه سری
۹۰	مکانیسم وحی پیامبران
۹۲	وحی در نگاه حکیمان
۹۲	الف) نظریه عامیانه
۹۲	ب) نظریه روشن فکرانه
۹۳	ج) نظریه حسی فراتر از حواس
۹۶	بصیرت و شنوایی ذاکران
۹۷	دوم: علم غیب و دانش وسیع
۹۸	غیب چیست؟
۹۹	علم غیب همگانی است یا مختص پیامبران است؟
۱۰۲	سوم: عصمت
۱۰۲	عصمت چیست؟
۱۰۴	دلایل عصمت
۱۰۵	دلایل منقول
۱۰۶	عصمت و ابعاد آن
۱۰۸	آیا پیامبران گناه می‌کنند؟
۱۱۱	ماجرای یوسف و بنیامین
۱۱۴	نقش پیامبران در تمدن‌ها
۱۱۷	چرا پیامبران از جنس بشر بودند؟
۱۲۰	ضرورت و لزوم معجزه

۱۲۱	راه‌های شناخت پیامبران راستین.....
۱۲۲	اعجاز و معجزه چیست؟.....
۱۲۲	معجزه در نگاه قرآن.....
۱۲۴	حکمت تنوع معجزات.....
۱۲۶	عوامل ابهام آفرین در شناخت معجزه.....
۱۲۷	فرق معجزه با سایر اعمال خارق‌العاده.....
۱۲۸	فرق معجزه و کرامت.....
۱۳۰	کرامت‌های راستین و دروغین.....
۱۳۲	کرامت معقول و مشروع.....
۱۳۳	مکاشفات رحمانی یا شیطانی.....
۱۳۶	آیا عمل خارق‌العاده از غیر پیامبران ممکن است؟.....
۱۴۱	فرق سحر و معجزه.....
۱۴۱	فرق معجزه با اختراعات.....
۱۴۲	رابطه معجزه و قانون علیت.....
۱۴۴	سه نظریه در اعجاز پیامبران.....
۱۴۴	یکم: نظریه تأویل.....
۱۴۷	دوم: نظریه اشاعره و مسئله مشیت.....
۱۵۲	سوم: نظریه معجزه و قانون علیت.....

بخش دوم: نبوت خاصه

۱۵۷	پیامبر اسلام ﷺ و معجزه ماندگار.....
۱۵۹	تاریخ و محیط زندگی پیامبر اسلام ﷺ.....
۱۶۱	اوضاع جهان پیش از ظهور اسلام.....
۱۶۵	قرآن، کتاب اندیشه و عمل.....

۱۶۷	معرفی قرآن از قرآن
۱۷۲	اعجاز ماندگار اسلام
۱۷۳	ضرورت معرفت قرآن
۱۷۴	آیا قرآن شناختنی است؟
۱۷۷	ویژگی‌ها و برتری‌های قرآن
۱۸۰	فرآیند شناخت قرآن
۱۸۱	چگونه قرآن را بشناسیم؟
۱۸۴	وجوه اعجاز قرآن
۱۸۴	اعجاز لفظی قرآن
۱۸۴	۱. فصاحت و بلاغت
۱۸۴	۲. به هنگام نزول قرآن
۱۸۶	۳. دین خاتم معجزه جاوید می‌طلبد
۱۸۷	۴. ثبات قالب‌ها
۱۸۸	ماجرای هم‌وردی در عصر امام صادق <small>علیه السلام</small>
۱۹۱	جنبه‌های دیگر اعجاز قرآن
۱۹۱	الف) سبک و اسلوب
۱۹۴	تحدی در حوزه اینترنت
۱۹۵	اولین متحدی کیست؟ و انگیزه آن چیست؟
۱۹۷	هم‌وردان امروز
۱۹۹	الف) صفحهٔ مسلمون
۲۰۰	ب) صفحهٔ تجسّد
۲۰۱	ج) صفحهٔ وصایا
۲۰۳	د) صفحهٔ ایمان
۲۰۴	گفتارهای متناقض در صفحات چهارگانه

- ۲۱۰ (ب) همگونی فصاحت و بلاغت و صداقت.
- ۲۱۱ (ج) جمع بین عقل و احساس.
- ۲۱۱ (د) هدف واحد و سبک متنوع.
- ۲۱۳ (ه) مصونیت از تحریف.
- ۲۱۹ دوم: پیش‌گویی‌های قرآن.
- ۲۱۹ پیروزی رومیان بر ایرانیان.
- ۲۲۱ سوم: معارف علمی قرآن.
- ۲۲۱ کرات شناگر.
- ۲۲۲ پیوستگی آسمان‌ها و زمین.
- ۲۲۳ طبیعت رو به گسترش.
- ۲۲۴ چگونگی پیدایش پدیده حیات.
- ۲۲۵ وحی عقلانی و قرآن.
- ۲۲۷ پاسخ اشکال.
- ۲۳۲ وحی؛ فراتر از ادراک عقل و علم.
- ۲۳۸ وحی عقلانی کدام است؟
- ۲۳۹ پاسخ.
- ۲۴۲ خاتمیت، مفهوم و فلسفه آن.
- ۲۴۵ دلایل خاتمیت.
- ۲۴۶ دلایل نقلی و تاریخی.
- ۲۴۸ الف) خاتم در احادیث نبوی.
- ۲۵۰ ب) خاتمیت در تاریخ.
- ۲۵۰ ج) خاتمیت در نهج البلاغه و گفتار ائمه شیعه.
- ۲۵۱ د) خاتمیت، پایان بشارت‌هاست.
- ۲۵۴ بشارت‌ها و اشارات عهد عتیق و جدید.

۲۵۹	دلایل عقلی و منطقی
۲۶۲	آیا ختم نبوت، آغاز عقل تجربی است؟
۲۶۳	خاتمیت از دیدگاه دانشمندان و متفکران
۲۶۳	۱. علامه اقبال لاهوری
۲۶۸	۲. دکتر عبدالکریم سروش
۲۷۲	۳. شهید مرتضی مطهری <small>رحمته الله علیه</small>
۲۷۵	قرائت عارفان و خاتمیت
۲۷۷	پاسخ به یک پرسش
۲۸۱	ویژگی های فردی و اجتماعی پیامبر اسلام <small>صلی الله علیه و آله</small>
۲۸۳	ویژگی های فردی پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small>
۲۸۳	الف) تاریخ تولد و مکان ولادت
۲۸۵	ب) شغل شبانی یا تجارت
۲۸۵	ج) اجداد و نیاکان آن حضرت
۲۸۷	ویژگی های اخلاقی و شخصیتی پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small>
۲۸۷	الف) صداقت و شخصیت
۲۸۹	ب) قاطعیت و ایمان
۲۹۳	ج) هم آهنگی گفتار و کردار
۲۹۳	د) محبت و ساده زیستی
۲۹۴	ه) مهرورزی با دشمن
۲۹۵	و) تواضع و فروتنی
۲۹۷	چالش ها و پاسخ ها
۳۰۵	آیا اسلام با شمشیر پیش رفته است؟
۳۰۹	شجاعت برخی از مستشرقان
۳۱۱	مهم ترین اشکالات به اسلام

۳۱۱	الف) فلسفه چند همسری
۳۱۷	اعتدال در گزینش همسر
۳۲۲	ریشه‌های تاریخی تعدد زوجات
۳۲۵	اروپا و چند همسری
۳۲۷	عوامل اجتماعی تعدد زوجات
۳۲۷	یکم: نازایی و معلولیت فرزندان
۳۲۷	دوم: امراض مقاربتی
۳۲۸	سوم: بلوغ زودرس بانوان
۳۲۸	چهارم: عادت ماهانه زنان
۳۲۹	پنجم: یائسگی و بازنشستگی
۳۳۰	ضرورت تعدد زوجات در عشایر
۳۳۰	ششم: کثرت زنان و اندک بودن مردان
۳۳۲	تظاهرات زنان بی شوهر
۳۳۳	تک همسری و فساد غربی‌ها
۳۳۵	چند شوهری و شکست آن
۳۳۹	ب) پیامبر ﷺ و چند همسری
۳۴۱	حضرت محمد ﷺ و همسران متعدد
۳۴۴	عدالت بی بدیل محمد ﷺ
۳۴۸	اعترافات مورخان غربی
۳۵۱	مشخصات همسران پیامبر
۳۶۱	نگهداری همسران ریاضت بود نه لذت
۳۶۲	مختصات رسول خدا ﷺ
۳۶۵	ج) جنگ و جهاد در اسلام
۳۷۱	مبانی آزادی در اسلام

۳۷۲	د) تأیید نظام بردگی و برده‌داری
۳۷۳	پیشینه بردگی
۳۷۴	بردگی در میان ملت‌ها
۳۷۶	عوامل بردگی و اسارت
۳۷۶	۱. روحیه استخدام در انسان
۳۷۶	۲. ضعف و زبونی
۳۷۷	۳. جنگ‌های قبیله‌ای
۳۷۷	۴. مکافات مجرمان
۳۷۸	۵. منشأ فلسفی بردگی
۳۷۹	۶. نگاه ظالمانه به بردگان
۳۸۱	نگاه اسلام به بردگان
۳۸۴	الغای تدریجی بردگی چرا؟
۳۸۸	بردگی در جنگ
۳۹۱	جواز خرید و فروش برده
۳۹۲	بستن و گشودن راه‌ها
۳۹۳	نماینه
۳۹۵	آیات
۴۰۳	روایات
۴۰۵	اعلام
۴۱۹	اشعار

مقدمه

ضرورت و لزوم دین باوری

بحث نبوت بر محور دین داری و خدا باوری می چرخد، از این رو لازم می دانم که در مقدمه، به لزوم دین و ضرورت آن به اجمالی اشاره ای کنم.

دین، در لغت به معنای جزا و پاداش آمده و در اصطلاح، دین الهی به مجموعه ای از عقاید، احکام و اخلاق اطلاق می گردد، تکثر ادیان دلیل بر ضرورت اصل دین باوری است. منتهای مراتب ادیانی در گذشته بر اساس موازین حق نازل شده سپس در طی تحوّل زمان مدت آن سر آمده مانند ادیان مسیحی، کلیمی، حنفی، زرتشتی، آیین آدم، نوح، ابراهیم و.... نکته جالب آن که دین از نظر قرآن همیشه اسلام بوده است:

۱. ﴿إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ ۗ وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الْخَاسِرِينَ﴾؛ دین در پیشگاه خدا همواره اسلام است کسی که غیر از اسلام دینی را اتخاذ کند هرگز از او قبول نمی شود و چنین کسی در آخرت زیانکار خواهد بود.

۲. ﴿وَكَانَ إِبْرَاهِيمُ حَنِيفًا مُسْلِمًا﴾، ابراهیم، موسی و عیسی، زرتشت و سایر ادیان الهی همگی مسلمان بوده اند. هر دینی به عنوان شکلی از اسلام در زمان خودش حق بوده سپس جای خود را به دین کامل تری از اسلام وا گذاشته است و آیین قبلی منسوخ

گردیده است تا اسلام به حکم تکاملی در عصر ظهور حضرت محمد ﷺ به آخرین مراحل خود رسیده است و قرآن هم تنها معجزه جاودانه و ماندگار اسلام است. از این روی گفته‌اند: اصول عقاید و انتخاب دین حق تحقیقی است و تقلید و تعبد بدون تفحص و تعقل در آن ناروا می‌باشد، تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد که در طول تاریخ هیچ انسانی بدون داشتن یک سلسله بینش‌ها و گرایش‌های معنوی و اعتقادی نمی‌تواند زندگی معقول، مطمئن و آرام‌بخشی داشته باشد، طبق همین وظیفه ذاتی و انگیزه‌های درونی است که هر یک از افراد بشر به مذهبی و مکتبی گرویده‌اند، حتی برخی لامذهبی را مذهب خود پنداشته‌اند و گروهی به گمان خود در حال تحقیق‌اند تا مرام درستی پیدا کنند، عده‌ای هم به عقاید آبا و اجدادی بسنده نموده‌اند و برخی به مذاهب بشری روی آورده‌اند و با مسلک‌هایی همچون ماتریالیسم، مارکسیسم، اگزیستانسیالیسم، بابائیزم، بودائیزم، عرفان‌های ساختگی و مسلک‌های پوشالی و جدان خویش را قانع ساخته‌اند و بعضی از ملت‌ها نیز زندگی اقتصادی و پیروی از قوانین جاری کشور متبوع را به گمان خود دین و ایمان خود تلقی کرده‌اند و خویشتن را از تفحص و شناخت مذهب حق بی‌نیاز پنداشته‌اند، اینان به حسب ظاهر آرامش دارند اما در باطن به ظاهر خاموش آن‌ها غوغایی است. در هر حال دلایل عقلی و انگیزه‌های ذاتی انسان لزوم تفحص و انتخاب بهترین دین را ایجاب می‌کند و تا آدمی آیین حق را به دست نیاورد آرامش واقعی نخواهد داشت و به مجرد این‌که پرده غفلت برکنار شود نگران آینده و گرفتار اضطراب می‌گردد.

یکم: دفع ضرر احتمالی

با توجه به حاکمیت دین در اعصار متمدنی و آمدن انبیای عظام و گردن نهادن اکثریت جوامع بشری در برابر دین الهی و ایمان به قیامت، بی‌گمان ما را به جست‌وجو و لزوم تحصیل معرفت دینی و ادار می‌سازد، زیرا هر عاقلی با خود

می‌اندیشد اگر جهان، آفریدگار حکیمی داشته باشد و مرگ پایان زندگی نباشد و خلقت انسان هم هدفی معقول داشته باشد و برنامه‌ای را برای نیل انسان‌ها به کمالات روحی، فکری، اخلاقی و عملی تنظیم کرده باشد و نداشتن دین و ترک تکلیف و مسئولیت را باعث شقاوت ابدی و عذاب سرمدی بداند بی شک فطرت و عقل آدمی ایجاب می‌کند که به این احتمال معقول و فراگیر، ترتیب اثر داده و کار تحقیق را در نفی و اثبات خدا و نبوت و معاد و در یک کلام دین حق از سر بگیرد و به پایان برساند تا آیین حقیقت را دریابد و از عذاب ابدی موعود نجات یافته و به نعمت‌های ابدی دست پیدا کند، وگرنه خطری بزرگ در آینده او را تهدید می‌کند.

دوم: نیاز به دین حق

انسان که طرفه معجونی است، از فرشته سرشته و از حیوان و از روح و جسم و عقل و نفس ساخته شده است که هر کدام مقتضیاتی دارد و نیازهایی، از نظر مادی، حوایج بشر محدود به آب و غذا و لباس و مسکن برای استراحت و شغل و حرفه‌ای برای تهیه حوایج و تداوم زندگی است، اما نیازهای روح و عقل و جانش بسیار بلند و گسترده می‌باشد. به قول مولوی بلخی:

حد جسمت یک دو گز خود بیش نیست

روح تو تا آسمان جولانکنی است

تا به بغداد و سمرقند ای همام

روح را اندر تصور نسیم گام

بنابراین آدمی نیازمند به یک مکتب نظری و عملی است که سعادت مادی و معنوی و جسمی و روحی او را تضمین نماید و او را به حیات پاک و معقولی برساند، حامل چنین برنامه و پیامی آیین حق است که قرآن به مقتضای عقل و فطرت این گونه راهنمایی می‌کند:

﴿ فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَوِيمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴾، با تمام وجود توجه خود را به آیینی که از هرگونه خرافات پیراسته و به حقایق آراسته و با فطرت و نهاد همه انسان‌ها نهادینه شده است منعطف ساز برای خلقت خدا تحول و تبدیلی وجود ندارد و هیچ چیزی نمی‌تواند به جای دین بنشیند نه عقل، نه وجدان و نه مکاتب بشری، دین مستقیم و استوار چنین آیینی است که با عقل و فطرت منطبق و با علم و تمدن همراه گردد، آری، آن‌ها را آموخته، همو می‌تواند انسان‌ها را با وضع و تشریح عالی‌ترین قانون و مقررات و اخلاق و عبادات به سرچشمه حیات ابدی برساند، به قول قرآن: ﴿ أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ ﴾ آیا خدا نمی‌داند چه خلق کرده است و آنان به چه نیاز مندند و با چه برنامه‌ای باید انسان‌ها به کمال مطلوب دست یابند. جواب مثبت است و دین الهی ضرورت دارد.

سوم: دین و آرامش

انسان به جز امیال حیوانی و انسانی تمایلات عالی و غرائز نفسانی نیز دارد، مانند حبّ ذات و حبّ جاه و مقام و منیت و خودپرستی، اگر عامل کنترل در کار نباشد او را به وادی غرور و استبداد می‌کشاند. وانگهی، زندگی انسان همواره با دو آفت بزرگ: غم و غصه و ترس و نگرانی آمیخته است. تجربه علمی و روانی نشان داده است که تنها دین‌باوری و ایمان به خداست که توانسته ترس و نگرانی و غم و غصه را از ساحت حیات آدمیان برطرف کند تا در حوادث تلخ و شیرین ظرفیت و صبر و تحمل را از دست نداده هراسی و خوشحالی بی‌حدی به دل راه ندهند.

ایمان به خدا و عمل به مقررات دینی آرامش‌بخش دل‌هاست، زیرا مؤمن عاقل و دین‌باور می‌داند که خدای رحیم و حکیمی که او را خلق کرده به حال خودش رها نساخته تا در آتش اندوه و غم و ترس و دل‌نگرانی‌ها به مرگ زودرس بمیرد، آنچه

اعصاب را می‌کوبد و آدمی را به بیماری‌های صعب‌العلاج مبتلا می‌کند استرس‌ها و اضطراب‌ها و هیجان‌اتی است که از شدت خوشحالی و بدحالی از رسیدن و نرسیدن به علایق مادی به او دست می‌دهد و در صورت عدم دست‌یابی به خواسته‌های نفسانی، افسردگی و ناراحتی پیدا می‌کند ولی ایمان و اتکال به خدا کاری می‌کند که بر آنچه نرسیده یا از دست داده متأسف نگردد و از آنچه که به آن رسیده نیز بیش از حد طبیعی خوشحال نشود که هر دو مرگ‌آفرین است: ﴿لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ﴾ و: ﴿أَلَا يَذْكُرُ اللَّهُ تَطْمِئِنُّ الْقُلُوبُ﴾ تا بر آنچه از دست داده‌اید تأسف نخورید و از آنچه به دست آوردید خیلی خوشحال نباشید.

دین حق، طرفدار اعتدال است و تمام غرایز و امیال حیوانی را تعدیل و استعداد انسانی را پرورش می‌دهد، از این‌رو در حیات اجتماعی نه دنبال افزون‌طلبی می‌رود و نه به ظلم و غارت اموال دیگران دست می‌یازد، نه حق کسی را پایمال می‌کند و نه می‌گذارد دیگران حق او و سایر هم‌نوعان را ضایع کنند. هیچ قدرتی نمی‌تواند جلوی نفس سرکش را بگیرد که به قول راسل: تمام قهرمانان بشری همواره در جنگ با هوای نفس شکست خورده‌اند. تنها ایمان به مبدأ و معاد و نبوت می‌تواند چنین نقشی را ایفا کند که راسل‌ها و مارکس‌ها از آن بی‌بهره بودند.

وانگهی، شرف علم به معرفت دینی بستگی دارد، زیرا علم بی‌ایمان فساد ایجاد می‌کند ایمان است که علم را در بستر خدمت به خلق به جریان می‌اندازد و گرنه:

چو دزدی با چراغ آید گزیده‌تر برد کالا

و

علم و مال و منصب و جاه و قران فتنه آرد در کف بد گوه‌ران
آنچه منصب می‌کند با جاهلان از فضیحت کی کند صد ارسلان

این سخن از «اینشتین» معروف است که گفته است بر سر در تمام معابد علمی و آزمایشگاهی نوشته‌اند: «کسی که دین ندارد حق ندارد وارد معبد علمی شود.» آری، دین و ایمان است که به علم و دانش شرف مضاعف می‌بخشد و در مسیر درست به کار می‌اندازد.

کسب معرفت دینی به مفهوم راستین آن هم پس از اثبات رسالت پیامبران امکان‌پذیر است. بحث نبوت عامه و خاصه یکی از ارکان اصول عقاید به شمار می‌رود که با دلیل و برهان باید اثبات شود و اصولاً بین توحید و معاد و اصل نبوت ارتباط تنگاتنگی وجود دارد که انکار هر یک در واقع به انکار دیگری منجر می‌شود. توحید منهای نبوت و رسالت و نبوت بدون ایمان به قیامت، مفهوم درستی ندارد، زیرا انبیا هستند که چگونگی توحید و معاد را برای ما از طرف خدا تبیین و روشن می‌سازند.

نگارنده احساس می‌کند که در روزگار ما عقلانیت از زندگی اغلب مردم در بعد اعتقادات حتی دین‌باوران کنار رفته یا کمرنگ گردیده و دین تقلیدی جایگزین مذهب تحقیقی شده است. رویکرد بی‌رویه غالب مردم در تصمیم‌سازی‌ها به استخاره، جن‌گیران، رمالان و گفتار غیب‌گویان و مدعیان ارتباط با امام زمان و توجه بی‌منطق به دعانویسان و توسل به جادو و جنبل و طلسم و الگوسازی یک عده از عارفان معرفت‌سوز و عرفان‌ساز به جای ائمه دین و علمای راستین و توسل به مدعیان دروغین برای تأمین حواجی زندگی شاهدهی گویا بر فاصله گرفتن جمع کثیری از مردم از تعقل به تعبیر است در صورتی که عقل حجت باطنی خدا بر مردم است. با عقل است که خدا و معاد اثبات می‌شود و به یاری عقل، پیامبران راستین و دروغین شناخته می‌شوند. از این رو اغلب کتاب‌هایم را با پسوند «عقل و دین» مزین ساخته‌ام تا متفکران از شدت و افراط در عقلانیت از معنویت دینی دور نشوند و دین‌باوران هم از تفریط در تعبّد از عقلانیت خارج نشوند، چرا که به گمان من تنها راه برون رفت

از افراط و تفریط عقل‌گرایی و دین‌باوری است تا دین‌باوران روی‌کرد تعبدی و تعقلی را در دین‌داری پیش‌گیرند و در اصول عقاید و فلسفه احکام عقل‌گرا باشند؛ یعنی در پذیرش هر گزاره و رد و قبول هر گزینه‌ای به مجموعه‌ای از ادراکات و تحلیل‌های عقلی و منطقی خود توجه کرده و روحیه عقلانیت را در نهاد خود زنده نگه دارند؛ چرا که حیات طیبه و معقول آن حیاتی است که «عقلانیت» و «معنویت» هر دو با هم ترکیب و تلفیق شده باشند، برای این که دین سنبل معنویت و عقل نماد منطق و علم است، باید به یاری آن دو به معنویت معقول گروید، چرا که به فرموده معصوم علیه السلام: «مَطِيئَةُ الْمَرْءِ الْعَقْلُ؛^۱ مرکب آدمی عقل است». رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «قوام المرء عقله؛ تکیه‌گاه بشر در تمام امور عقل اوست».

به قول امام علی علیه السلام: «عقل است که راه ضلالت و بدبختی را از صراط نجات و خوشبختی تمیز می‌دهد».^۲

امید که توانسته باشم در این اثر با نگاه عقلانیت به دین، ضرورت وحی و نبوت را ثابت کنم و گام کوچکی در گسترش مکتب انبیای الهی - به ویژه، حضرت ختمی مرتبت حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله - بردارم که برای همه حق‌طلبان مفید افتد و در میان قشر تحصیل‌کرده و جوانان جویای حقیقت مطلوب قرار گیرد.

دکتر محمدباقر شریعتی سبزواری

قم - ۱۳۸۷

۱. بحارالانوار، ج ۱، ص ۳۲.

۲. کفّاک من عقلک ما اوضح لك سبیل عتیک من رشدک. (نهج البلاغه).